

# Virtual Network Dependence and Parenting Styles in Adolescents: The Mediating Role of Emotion Regulation

## ARTICLE INFO

**Article Type**  
Research Article

### Authors

Rozita Ershad Sarabi ,  
Davood Taghvaei ,  
Mahdi Jahangiri

### How to cite this article

Rozita Ershad Sarabi, Davood Taghvaei, Mahdi Jahangiri, Virtual Network Dependence and Parenting Styles in Adolescents: The Mediating Role of Emotion Regulation. *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022:5(4); 201-211

1. PhD Student, Department of Psychology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran
2. Associate Professor, Department of Psychology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

## ABSTRACT

**Purpose:** This study was conducted with the aim of virtual network dependence and parenting styles in adolescents: the mediating role of emotion regulation.

**Materials and Methods:** The research method is cross-sectional correlation. The statistical population of this study consisted of all high school students (boys and girls) in Tehran in 1300-1400, from which 400 people were selected by stepwise cluster sampling. In this study, tools of virtual network dependence (Khajeh Ahmadi et al., 2016), perceived parenting styles (Bamrind, 1997) and emotional regulation (Garnefski and Kraaij, 2006) were used, all of which had acceptable validity and reliability. SPSS-V23 and Amos-V8.8 software were used to analyze the data. Structural equation modeling was also used to answer the research hypotheses.

**Findings:** Findings showed that the model has a good fit. The results showed that there is a relationship between perceived parenting styles and virtual network dependence in adolescents. Perceived parenting styles have an indirect effect on virtual network dependence through positive and negative emotion regulation ( $p < 0.05$ ). The results also showed that the indirect effect of perceived parenting styles on adolescents' virtual network dependence was confirmed by emotion regulation with 95% confidence.

**Conclusion:** According to the results of the present study, emotion regulation strategies have an effective role in the use of virtual networks in adolescents and more attention should be paid to parenting styles in educational programs.

**Keywords:** Virtual Network Dependence, Parenting Styles, Emotion Regulation

\* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: davoodtaghvaei@yahoo.com

### Article History

Received: 2021/12/26

Accepted: 2022/03/12

ePublished: 2022/03/16

## وابستگی به شبکه‌های مجازی و سبک‌های

## فرزندپروری در نوجوانان: نقش واسطه‌ای تنظیم

## هیجان

روزیتا ارشاد سراپی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

داوود تقوایی<sup>۲\*</sup>

دانشیار، گروه روانشناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

مهدی جهانگیری<sup>۳</sup>

استادیار، گروه روانشناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

## چکیده

**هدف:** این پژوهش با هدف، وابستگی به شبکه‌های مجازی و سبک‌های فرزندپروری در نوجوانان: نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان انجام شد.

**مواد و روش‌ها:** روش پژوهش مقطعی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه (دختر و پسر) شهر تهران در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل دادند، که از میان آن‌ها، تعداد ۴۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش از ابزارهای وابستگی به فضای مجازی، سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و تنظیم هیجانی (گارفنسکی و کرایچ، ۲۰۰۶) استفاده شد که همگی از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار بودند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-V23 و Amos-V8.8 استفاده گردید. همچنین به منظور پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است. نتایج نشان داد بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با وابستگی به شبکه‌های مجازی در نوجوانان رابطه وجود دارد. سبک‌های فرزندپروری ادراک شده اثر غیرمستقیم بر وابستگی به شبکه‌های مجازی به واسطه تنظیم هیجان مثبت و منفی داشته است ( $p < .05$ ). همچنین نتایج نشان داد که اثر غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری ادراک شده بر وابستگی به شبکه‌های مجازی نوجوانان به واسطه تنظیم هیجان با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید بوده است. **نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج پژوهش حاضر راهبردهای تنظیم هیجان نقشی موثر در میزان استفاده از شبکه‌های مجازی در نوجوانان دارند و باید در برنامه‌های آموزشی و تربیتی به سبک‌های فرزندپروری والدین نیز توجه بیشتری شود.

**واژگان کلیدی:** وابستگی به شبکه‌های مجازی، سبک‌های فرزندپروری، تنظیم هیجان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

\* نویسنده مسئول: davoodtaghvaei@yahoo.com

## مقدمه

شبکه‌های مجازی<sup>۱</sup> به عنوان ابزاری که ردپای آن در جای جای زندگی افراد دیده می‌شود، به جزئی جدایی ناپذیر از زندگی بشر بدل شده است. همانند سایر تکنولوژی‌ها، این تکنولوژی نیز از سوءاستفاده و یا استفاده ناصحیح مصون نیست (۱) استفاده از این ابزارها به مرور زمان می‌تواند وابستگی و اعتیاد به شبکه‌های مجازی را در پی داشته باشد و حتی سبب تشدید اختلال‌هایی مانند اضطراب و افسردگی شود (۲). مطالعات انجام گرفته در حوزه استفاده از شبکه‌های مجازی و تأثیرات روان‌شناختی مثبت و منفی آن نتایج متفاوتی را نشان می‌دهد. از جمله تأثیرات روان‌شناختی منفی و مخرب آن می‌توان به افسردگی، بازداری اجتماعی<sup>۲</sup> و سطوح پایین تر تفاهم و دوست‌داشتنی بودن و رابطه مثبت آن با احساس تنهایی (۳) اشاره کرد که این موارد با عواطف منفی<sup>۳</sup> و کاهش رضایت از زندگی همراه هستند (۴)؛ اما یکی از آسیب‌های این ابزار، اعتیاد به شبکه‌های مجازی می‌باشد (۵). وابستگی به شبکه‌های مجازی را خواسته‌ای غیرقابل کنترل برای استفاده افراطی از شبکه‌های مجازی تعریف می‌کنند که با بی‌ارزش شمردن زمان‌های سپری شده بدون اینترنت، عصبانیت و پرخاشگری شدید در موارد محرومیت از آن و تخریب پیش‌رونده زندگی خانوادگی و اجتماعی فرد توأم است. شیوع این اختلال هم در فرهنگ‌های غربی و هم در فرهنگ‌های شرقی از ۱٪ تا ۳۶٪ گزارش شده است (۶).

عوامل زمینه‌ساز وابستگی به فضای مجازی را می‌توان در سطح فرد، خانواده و جامعه مطرح نمود، همچنین این پدیده در بین گروه‌های سنی وجود دارد، نوجوانان در این بین آسیب‌های بیشتری را در مقایسه با سایر گروه‌های سنی متحمل می‌شوند، چرا که با مشکلاتی در حوزه تحصیل و ورود به بازار کار و اشتغال را برای این افراد به وجود می‌آورد (۷). در حوزه خانواده، از عواملی که در وابستگی به فضای مجازی می‌تواند به ایفای نقش بپردازد، سبک‌های فرزندپروری والدین می‌باشد (۸). بر اساس نظام بوم‌شناختی برون‌فن‌برنر نظام خانواده به عنوان یک کل می‌تواند بر اساس سبک‌های تعاملی والدین با فرزندان، جنبه‌های شناختی فرزندان را متاثر سازد (۹). بر اساس مطالعات سبک‌های والدینی در توسعه مهارت‌های شناختی تأثیرگذار بوده و شیوه‌های والدینی نظیر نظارت و حمایت می‌تواند توانایی‌های نوجوانان را تحت تأثیر قرار دهد (۱۰). در همین راستا مطالعات نشان می‌دهد که رفتار و ویژگی‌های والدین در برخورد با مسائل فرزندان می‌تواند به استراتژی‌های متفاوتی منجر شود که این استراتژی‌ها می‌تواند فرایند تفکر نوجوانان و نحوه تعبیر و تفسیر آن را تحت تأثیر قرار دهد (۱۱). بر همین اساس چنانچه خانواده دچار مشکلات روانشناختی عمده باشد به دلیل از هم پاشیدگی نظام خانواده و وجود ارتباط‌های

3 - negative emotions

1 - social networks

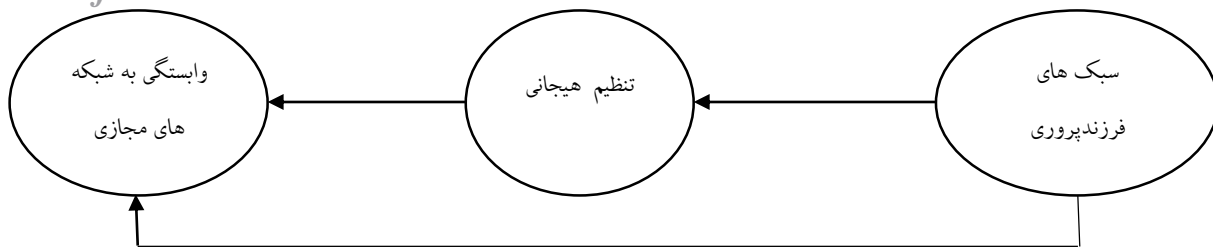
2 - social inhibition

خود، در صدد برطرف کردن آنها برآید و جلوی بسیاری از هزینه هایی که بر حوزه بهداشت و درمان تحمیل می شود گرفته شود (۲۴). تنظیم شناختی هیجانی، به توانایی فهم هیجانات، تعدیل تجربه هیجانی و ابراز هیجانات اشاره دارد (۲۵). پژوهش های انجام شده نشان داده است که تنظیم هیجان سازگاران با عزت نفس و تعاملات اجتماعی مثبت، مرتبط است و افزایش تجربه های هیجانی مثبت باعث مواجهه موثر با موقعیت های استرس زاده شده و پاسخ مناسب به موقعیت های اجتماعی را افزایش می دهد (۲۶). همچنین، تحقیقات نشان داده است که راهبردهای تنظیم هیجان با پریشانی روانشناختی مرتبط بوده و سازگاری بعدی فرد را پیش بینی می کند و تمرکز بر مهارت های تنظیم شناختی هیجان می تواند در پیش بینی و درمان مشکلات روانی، موثر باشد (۲۷). پژوهش های دیگر نیز نشان داده است که تنظیم شناختی هیجان، سازگاری مثبت را پیش بینی می کند و ارزیابی مجدد به عنوان یک راهبرد تنظیم هیجان با بهزیستی و سلامت روانی بالا، مرتبط است (۲۸). در مجموع می توان گفت که راهبردهای تنظیم هیجان از همبسته های اساسی آسیب شناسی روانی است. افرادی که در تنظیم هیجانات اختلال دارند، ممکن است بیشتر متمایل به تنظیم هیجانات منفی با فعالیت هایی باشند که با لذت آنی همراه است (۲۹). به علاوه مکانیسم هایی که در رابطه بین تنظیم هیجان و وابستگی به شبکه های اجتماعی نقش میانجی دارند، معلوم نیستند. برای درک بهتر ضروری است چگونگی ارتباط تنظیم هیجان با وابستگی به شبکه های مجازی را برای طراحی مداخلات موثر در جهت کاهش وابستگی به این شبکه ها فهمیده شود (۳۰).

این پژوهش جهت پاسخگویی به این سوال روابط علی میان وابستگی به شبکه های مجازی بر اساس سبک های فرزندپروری ادراک شده با میانجیگری تنظیم هیجان را در قالب یک مدل علی بررسی خواهد کرد. این روابط و فرضیه های مرتبط با آن در مدل مفهومی (شکل ۱) مشاهده می شود. در این مدل، متغیرهای سبک های فرزندپروری ادراک شده، به عنوان متغیرهای برونزا و متغیر وابستگی به شبکه های مجازی به عنوان متغیر درونزا در نظر گرفته شده است. همچنین، در این مدل متغیر تنظیم هیجان به عنوان متغیر میانجی یا واسطه ای وارد مدل شده اند و هدف از این پژوهش بررسی اثرهای مستقیم و غیرمستقیم این متغیرها بر وابستگی به شبکه های مجازی نوجوانان است. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که: آیا می توان وابستگی به شبکه های مجازی را بر اساس سبک های فرزندپروری با میانجیگری تنظیم هیجان پیش بینی نمود؟

معیوب و میهم، مشکلات عمده ای برای نوجوان به بار خواهد آورد (۱۲). بامریند سبک فرزندپروری را به عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می کند که به سبک های دیکتاتوری، مقتدرانه و سهل گیرانه تقسیم می گردد (۱۳). سبک فرزندپروری دیکتاتوری با پیامدهای اعتیاد به فضای مجازی در ارتباط است (۱۴). از سوی دیگر سبک فرزندپروری مقتدرانه با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بیشتر، اتکا به خود بالاتر، کج رفتاری کمتر و روابط بهتر با همتایان رابطه دارد (۱۵) و در نهایت سبک فرزندپروری سهل گیرانه نیز به دلیل فقدان نظارت و ویژگی اهمال کارانه والدین با وابستگی به فضای مجازی و کاهش مهارت های شناختی ارتباط دارد (۱۶). اوزگار (۱۷) در پژوهش خود نشان داد که سبک فرزندپروری مسامحه و مستبدانه ارتباط معناداری با وابستگی به فضای مجازی نوجوانان داشته و نوجوانان با سبک فرزندپروری بی اعتنا بیشترین میزان اعتیاد به اینترنت را گزارش نمودند.

یکی از عواملی که ارتباط نزدیکی با وابستگی به شبکه های مجازی دارد و می تواند نقش میانجی در رابطه با متغیرهای پژوهش باشد تنظیم هیجان است. الگوهای نظری اخیر، تنظیم موفق هیجان را با پیامدهای سلامت معنوی، روابط بین فردی، سبک های فرزندپروری والدین و احساس انسجام مرتبط دانسته اند (۱۸). برعکس، بروز مشکلات در تنظیم هیجان با عوامل خطر و رفتارهای وابستگی همراه است. شواهد فراوانی وجود دارد که نشان دهنده ارتباط تنظیم هیجان با استفاده مشکل ساز از شبکه های اجتماعی است (۱۹). مطالعات نشان می دهد که نوجوانان وابسته به فضای مجازی در شناسایی، تمیز و یکپارچه کردن هیجانات خود و دیگران مشکل دارند (۲۰). در نتیجه، به جای رفتار یا مقابله موثر، به طیف وسیعی از فرارهای ناامیدانه، مثل اعمال تکانشی یا خود ویرانگری متوسل می شوند (۲۱). تنظیم شناختی هیجان وجه ذاتی گرایش های مربوط به پاسخ های هیجانی است. در واقع تنظیم هیجان اعمالی است که برای تغییر یا تعدیل یک حالت هیجانی مورد استفاده قرار می گیرد. طبق مطالعات، افراد پرخاشگر بسیاری از تجربه های هیجانی خود را سرکوب می کنند و عاطفه منفی و بازداری اجتماعی بیشتری را از خود نشان می دهند (۲۲). بازداری هیجانی و عاطفه منفی باعث افزایش ترشح کورتیزول و افزایش فعالیت محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال و اختلال در تنظیم پاسخ های فیزیولوژیکی به استرس شده و همه اینها باعث علائم خشم و پرخاشگری می شوند (۲۳). وجود یک شخصیت پخته و بالنده که قدرت تنظیم هیجانی بالایی دارد و از سرکوبی و بازداری هیجانی جلوگیری می نماید می تواند به فرد کمک کند تا با شناسایی منبع مشکلات و تعارض های



شکل ۱. مدل پیشنهادی پژوهش

## مواد و روش ها

روش پژوهش حاضر، به لحاظ روش گردآوری داده ها توصیفی-همبستگی از طریق الگویابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه (دختر و پسر) شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ که مشغول به تحصیل بودن، تشکیل دادند. درباره حجم نمونه در پژوهشهای مربوط به روش تحقیق همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری نظرات گوناگون وجود دارد ولی همه بر این موضوع توافق دارند که مدل معادلات ساختاری شبیه تحلیل عامل از فنون آماری است که با نمونه بزرگ قابل اجرا می باشد در مدلیابی معادلات ساختاری در مورد حجم نمونه توافق کلی وجود ندارد اما به زعم بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونه در معادلات ساختاری ۲۰۰ نفر می باشد. بنابراین حداقل نمونه پژوهش حاضر ۳۵۰ نفر از دانش آموزان بود، که با در نظر گرفتن ریزش های احتمالی ۴۰۰ دانش آموز (۲۰۰ دانش آموز دختر و ۲۰۰ دانش آموز پسر) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد. روش نمونه گیری در این پژوهش تصادفی خوشه ای چند مرحله ای بود. بدین صورت که از میان مدارس متوسطه در شهر تهران ابتدا مناطق ۴ و ۲ انتخاب و سپس از هر منطقه، دو مدرسه به تصادف انتخاب شد و سپس از هر مدرسه چهار کلاس به تصادف انتخاب و در نهایت پرسشنامه ها در میان دانش آموزان آن کلاس ها توزیع شد. لازم به ذکر است به منظور روش گردآوری داده ها با توجه به شرایط بهداشتی کشور (شیوع ویروس کرونا) پژوهشگر با دسترسی به گروه های فعال در شبکه های مجازی دانش آموزان (گروه های که به منظور برگزاری کلاس های آنلاین در شبکه های مجازی ایجاد شده اند)، بعد از توضیح اهداف پژوهشی، اقدام به ارسال پرسشنامه ها به گروه ها نمود. لازم به ذکر است که تمامی مشخصات و اطلاعات دانش آموزان به صورت محرمانه باقی ماند.

## ابزارهای پژوهش

پرسشنامه وابستگی به فضای مجازی خواجه احمدی و همکاران: خواجه احمدی، پولادی و بحرینی در سال ۱۳۹۵ این پرسشنامه را طراحی کرد که شامل ۲۳ گویه است و بر اساس مقیاس لیکرت (کاملاً موافق، تا اندازه ای موافق، بی نظر، تا اندازه ای مخالف و مخالف) نمره گذاری می شود. این پرسشنامه شامل ۴ مولفه عملکرد فردی، مدیریت زمان، خودکنترلی و روابط اجتماعی است. اولین نسخه پرسشنامه با ۲۷ گویه طراحی و در فرایند روان سنجی طی

انجام روایی محتوی ۱ گویه حذف گردید. شاخص و نسبت روایی محتوی به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۸۶ محاسبه شد. براساس تحلیل عامل اکتشافی تعداد گویه های پرسشنامه به ۲۳ گویه تقلیل یافت و ابعاد پرسشنامه در ۴ عامل عملکرد فردی، مدیریت زمان، خودکنترلی و روابط اجتماعی، با توان پیش بینی ۵۷/۴۷۰ دسته بندی گردید. پایایی درونی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد.

پرسشنامه سبک های فرزندپروری ادراک شده بامریند: این پرسشنامه توسط بامریند برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده از آن به شیوه آزادگذاری مطلق<sup>۱</sup>، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی<sup>۲</sup> و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می شوند. در این پژوهش آزمودنی ها با مطالعه هر ماده نظر خود را برحسب یک مقیاس ۵ درجه ای (کاملاًمخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم) مشخص کنند که بعداً و به ترتیب از صفر تا ۴ نمره گذاری شده و با جمع نمرات، سه نمره مجزا در مورد آزاد گذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می آید. در ایران اسفندیاری پایایی بازآزمایی این ابزار را برای سبک سهل گیرانه ۰/۶۹، برای سبک استبدادی ۰/۷۷ و برای سبک مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش کرده است. حسینی دولت آبادی و سعادت (۱۳۹۱) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی روایی سازه این پرسشنامه را بررسی و ساختار سه عاملی آن را تایید کرده اند. بر اساس مطالعه آن ها سبک فرزندپروری سهل گیرانه ۴۵/۱ درصد، سبک مستبدانه ۴۱/۷ درصد و مقتدرانه ۴۴/۳ درصد کل واریانس مقیاس فرزندپروری را تبیین می کند. بعلاوه بار عاملی سوالات روی هریک از زیر مقیاس ها بین ۰/۵۸ تا ۰/۷۴ گزارش شده است که نشان دهنده روایی مطلوب این ابزار است. همچنین آن ها ضریب پایایی کلی این ابزار را ۰/۷۱ و برای سبک سهلگیرانه ۰/۶۲، سبک مستبدانه ۰/۶۲ و برای سبک مقتدرانه ۰/۷۵ گزارش کرده اند.

پرسشنامه تنظیم هیجانی گارنفسکی و کرایچ: پرسشنامه خودتنظیمی گارنفسکی و کرایچ یک ابزار ۳۶ گویه ای است که راهبردهای خودتنظیمی را در پاسخ به حوادث تهدیدکننده و استرسزای زندگی در اندازه های پنج درجه ای از یک (هرگز) تا پنج (همیشه) بر حسب ۹ زیرمقیاس زیر می سنجد: سرزنش خود، سرزنش دیگران، نشخوارگری، فاجعه انگاری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه وسیع و پذیرش. نمره بیشتر، نشان دهنده استفاده بیشتر فرد از آن راهبرد شناختی محسوب

1 - Permissive

2 - Authoritarian

که پرسشنامه خودتنظیمی یک ساختار هفت عاملی دارد که شامل تمرکز مجدد مثبت/برنامه‌ریزی، ارزیابی مثبت/دیدگاه وسیع، پذیرش، سرزنش دیگران، سرزنش خود، نشخوار فکری و فاجعه انگاری است. روایی محتوایی پرسشنامه خودتنظیمی، بر اساس داوری هشت نفر از متخصصان روان‌شناسی بررسی و ضرایب توافق کندانال برای زیر مقیاس‌ها از ۰/۸۱ تا ۰/۹۲ محاسبه شد. در پژوهش خدایانه و همکاران (۳۲) آلفای کرونباخ راهبردهای منفی (ناکارآمد) ۰/۸۹ به دست آمد.

با توجه به ماهیت سؤال پژوهش و فرضیه‌های پژوهش از مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد. لازم به ذکر است برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS-19 و Amos V7.80 استفاده شد.

#### یافته‌ها

یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) آورده شده است.

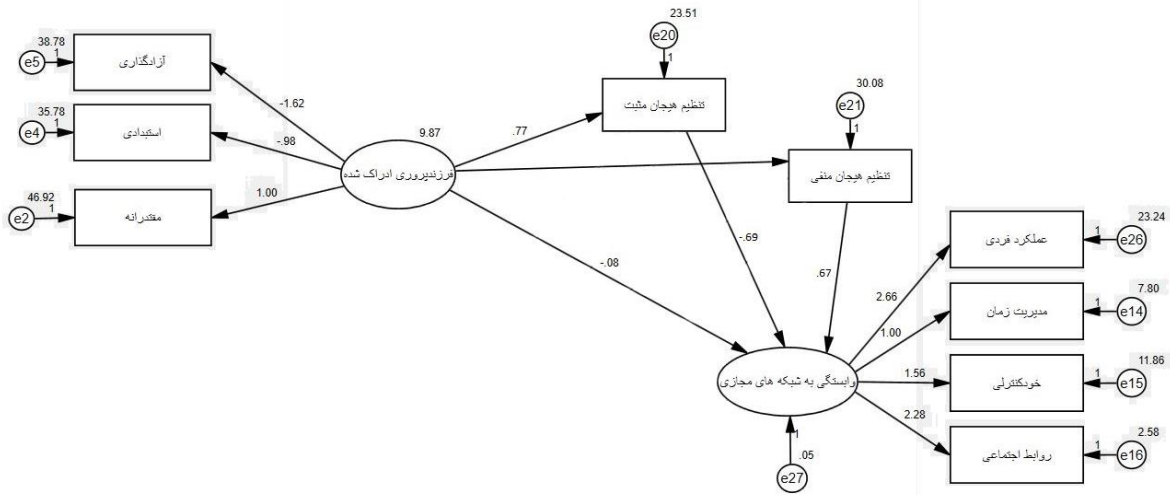
می‌شود. ضریب آلفا برای خرده مقیاس‌های این پرسشنامه در دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۸۱ و ضریب اعتبار خرده مقیاس‌های آن به شیوه بازآزمایی به فاصله زمانی ۱۴ ماهه در دامنه ۰/۴۸ تا ۰/۶۱ گزارش شده است. راهبردهای خودتنظیمی را می‌توان هم در امتداد یک بعد در نظر گرفت (مقابل شناختی) و هم به دو نوع راهبرد مقابله‌ای بیشتر سازش یافته (مثبت/کارآمد) و کمتر سازش یافته (منفی/ناکارآمد) تقسیم کرد. تمرکز مجدد مثبت/تمرکز بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت/دیدگاه وسیع (کم‌اهمیت شماری) و پذیرش راهبردهای مقابله‌ای بیشتر سازش یافته هستند و خودسرزنش‌گری، دیگر سرزنش‌گری، نشخوار فکری و فاجعه‌نمایی از راهبردهای مقابله‌ای کمتر سازش یافته محسوب می‌شوند (۳۱). در ایران نیز ضریب آلفا برای خرده مقیاس‌های این آزمون را در دامنه ۰/۶۲ تا ۰/۹۱ و همچنین ضریب اعتبار این عوامل را به شیوه بازآزمایی با فاصله زمانی یک هفته بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۸ به دست آورده‌اند. نتایج تحلیل عامل به شیوه مؤلفه‌های اصلی نشان داده است

جدول ۱. یافته‌های توصیفی خرده‌مقیاس‌های پژوهش

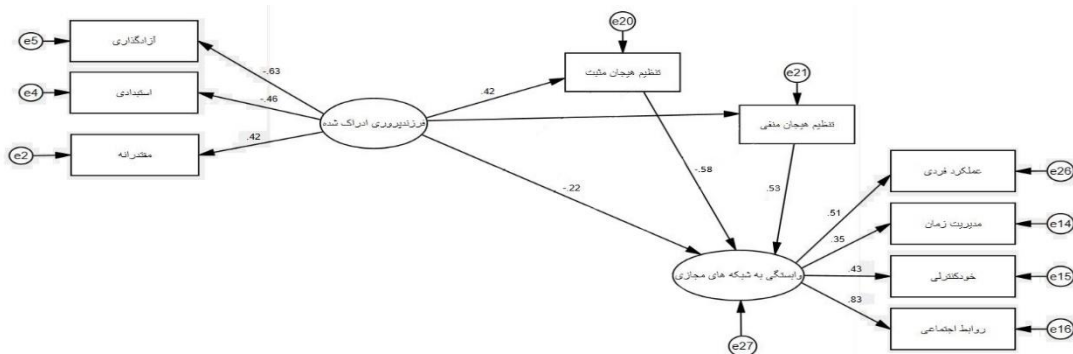
شاخص آماری مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
آزادگذاری	۵۷.۲۸	۰۵.۰۸	۱۵.۰۰	۶۲.۱-
استبدادی	۰۴.۳۱	۷۳.۰۶	۹۶.۰۰-	۰۱.۰-
مستبدانه	۲۳.۲۹	۵۵.۰۷	۴۶.۰۰	۱۰.۱-
تنظیم شناختی هیجان مثبت	۳۱.۲۳	۷۹.۰۵	۰۰.۰۰	۶۶.۱-
تنظیم شناختی هیجان منفی	۱۴.۲۲	۴۲.۰۶	۰۹.۰۰-	۰۰.۱-
عملکرد فردی	۳۶.۲۵	۷۰.۰۵	۳۶.۰۰-	۱۸.۱-
مدیریت زمان	۳۹.۱۵	۰۲.۰۳	۰۵.۰۰	۶۵.۱-
خودکنترلی	۱۵.۰۸	۸۸.۰۳	۶۲.۰۰-	۲۰.۰-
روابط اجتماعی	۹۳.۱۰	۰۶.۰۳	۰۳.۰۰-	۰۹.۱-

همراه برخی از مهمترین شاخص‌های برازش تحلیل مسیر مدل اولیه در شکل و جدول ۲ و ۳ ارائه شده است.

نتایج جدول نشان می‌دهد از بین مؤلفه‌های سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، بیشترین میانگین مربوط به سبک استبدادی است. نتایج مربوط به اجرای مدل در حالت استاندارد شده و استاندارد نشده به



شکل ۲. مدل در حالت ضرایب استاندارد نشده



شکل ۳. مدل در حالت ضرایب استاندارد شده

جدول ۲. شاخص های برازش مدل

شاخص های برازش	مقدار	نام شاخص
حد مجاز		
کمتر از ۳	۲۴.۲	$\chi^2/df$
کمتر از ۰/۱	۰.۵۰	RMSEA <sup>۱</sup> (ریشه میانگین خطای برآورد)
بالاتر از ۰/۹	۹۶.۰	CFI <sup>۲</sup> (برازندگی تعدیل یافته)
بالاتر از ۰/۹	۹۵.۰	NFI <sup>۳</sup> (برازندگی نرم شده)
بالاتر از ۰/۹	۹۷.۰	GFI <sup>۴</sup> (نیکویی برازش)
بالاتر از ۰/۹	۹۵.۰	AGFI <sup>۵</sup> (نیکویی برازش اصلاح شده)

تبيين و برازش از وضعیت مناسبی برخوردار است. با توجه به اینکه در مدل های آزمون شده بالا، مسیرهای بین متغیرها همان فرضیه های پژوهش هستند، در ادامه به همراه جداول اثرات مستقیم و

به طور کلی در کار با برنامه اموس هر یک از شاخص های بدست آمده به تنهایی دلیل برازندگی یا عدم برازندگی مدل نیستند و این شاخص ها را در کنار هم بایستی تفسیر نمود. مقدارهای بدست آمده برای این شاخص ها نشان می دهد که در مجموع الگو در جهت

<sup>1</sup> Root Mean Square Error Approximation

<sup>2</sup> Comparative Fit Index

<sup>3</sup> Normed Fit Index

<sup>4</sup> Goodness of Fit Index

<sup>5</sup> Goodness of Fit Index

غیرمستقیم به آزمون سایر فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است. برای آزمون این فرضیه اثر مستقیم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۳. ضرایب و معناداری اثر مستقیم سبک‌های فرزندپروری ادراک شده بر وابستگی به شبکه‌های مجازی

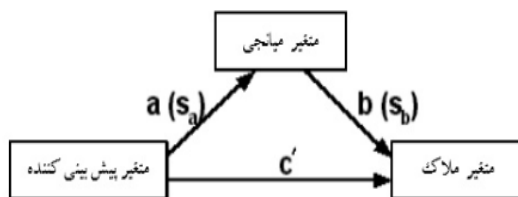
متغیر پیش بین	متغیر ملاک	نوع اثر	$\beta$ استاندارد شده	آماره معناداری	sig
سبک‌های فرزندپروری ادراک شده	وابستگی به شبکه‌های مجازی	مستقیم	۰.۲۲-	۰.۰۵-	۰.۰۲۰۰

ادراک شده با وابستگی به شبکه‌های مجازی در نوجوانان رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه اثر غیرمستقیم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آنچه از نتایج جدول ۳ برمی‌آید این است که سبک‌های فرزندپروری ادراک شده اثر مستقیم معنادار بر وابستگی به شبکه‌های مجازی داشته است ( $p > 0.05$ ). بدین ترتیب می‌توان گفت فرضیه اول پژوهش پذیرفته شده و بین سبک‌های فرزندپروری

جدول ۴. ضرایب و معناداری اثر غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری ادراک شده بر وابستگی به شبکه‌های مجازی

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	نوع اثر	$\beta$ استاندارد شده	آماره معناداری	sig
سبک‌های فرزندپروری ادراک شده	وابستگی به شبکه‌های مجازی	غیرمستقیم (به واسطه تنظیم هیجان مثبت)	۰.۲۴-	۰.۰۵۶-	۰.۰۱۰۰
سبک‌های فرزندپروری ادراک شده	وابستگی به شبکه‌های مجازی	غیرمستقیم (به واسطه تنظیم هیجان منفی)	۰.۱۵-	۰.۰۳۱-	۰.۲۵۰۰



شکل ۴. نمودار مسیرها در مدل میانجی

بنابراین برای استفاده از این فرمول ضرایب غیر استاندارد و خطای استاندارد دو مسیر مورد نیاز می‌باشد. سوبل معتقد است که این نسبت به گونه‌ای مجانب دارای توزیع بهنجار است و زمانیکه این نسبت بزرگتر از  $\pm 1/96$  باشد برای نمونه‌های بزرگ منجر به رد فرض صفر در سطح  $0.05$  می‌گردد. آنچه از نتایج جدول فوق برمی‌آید این است که سبک‌های فرزندپروری ادراک شده اثر غیرمستقیم بر وابستگی به شبکه‌های مجازی به واسطه تنظیم هیجان مثبت و منفی داشته است ( $p > 0.05$ ).

#### نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف وابستگی به شبکه‌های مجازی و سبک‌های فرزندپروری در نوجوانان: نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان انجام شد. نتایج نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با وابستگی به شبکه‌های مجازی در نوجوانان رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش با یافته‌های کاپنز و کولمانز، مارتینز و همکاران، سماتانا همخوانی دارد. در این راستا، پژوهش‌های یاوز و سلوک نشان داد تعامل

جهت بررسی اثر متغیر میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با وابستگی به شبکه‌های مجازی، از آزمون سوبل استفاده گردید. یک روش مورد استفاده برای سنجش معنی داری اثر متغیر واسطه آزمون سوبل است که مستقیماً معنی داری  $ab$  را نسبت به توزیع بهنجار  $Z$  با استفاده از خطای استاندارد متغیر میانجی می‌سنجد. بدین ترتیب که پس از تقسیم حاصل ضرب دو ضریب غیر استاندارد که مسیرهای متغیر واسطه را تشکیل می‌دهند بر خطای استاندارد این حاصلضرب، نسبت بدست آمده با جدول توزیع بهنجار مقایسه می‌شود؛ اگر نسبت بدست آمده بزرگتر از  $1/96$  باشد نتیجه گرفته می‌شود که اثر متغیر میانجی معنی دار است. برای اعمال روش سوبل جهت تعیین معنی داری این رابطه معادله زیر باید محاسبه گردد:

#### z-value

$$= a * b / \text{SQRT}(b^2 * s_a^2 + a^2 * s_b^2 + s_a^2 * s_b^2)$$

در این معادله  $a$  ضریب مسیر  $a$  و  $b$  ضریب مسیر  $b$ ،  $s_a$  و  $s_b$  بترتیب خطاهای استاندارد مسیرهای  $a$  و  $b$  می‌باشند. مسیرهای مورد نظر در شکل ۴-۳ نشان داده شده است.

اجتماعی، خودنظم جو و مشارکت کننده باشند. این فرزندان افرادی مستقل بار می آیند، که اغلب رفتار اجتماعی شایسته ای دارند، بر رفتارهای خود کنترل داشته و با دوستان و همسالان خود رفتار دوستانه ای دارند و از اعتیاد به فضای مجازی پایین تری برخوردارند. والدین سهل گیر ممنوعیت و محدودیت اندکی برای آنها قائل می شوند. چون معتقدند که ترکیبی از حمایت و تامین نیازهای کودک و نداشتن محدودیت باعث می شود تا کودک خلاق، و با اعتماد شود. والدین سهل گیر با روابط گرم و پذیرا، کنترل چندانی روی فرزندان خود ندارند و فشار کمتری روی آنان اعمال می کنند. کودکان خانواده های سهل گیر عزت نفس و مهارت های اجتماعی بالاتری دارند، افسردگی در آنها کمتر است و می توانند روابط گرمی با والدین خود داشته باشند. فرزندان این شیوه غیرفعال بوده ولی دارای سازگاری روانی بالایی می باشند. این گروه از والدین را می توان در دو زیر گروه جای داد: الف) والدین دموکراتیک: کاملاً آسان گیر بوده و حس وظیفه شناسی، توجه و تعهد بیشتری نسبت به فرزندان شان دارند. ب) والدین غیر رهنمودی: هیچگونه کنترلی را برای کودکان شان جایز نمی دانند. از این رو پیشنهاد می شود تا آموزش مهارت های مربوط به سبک های فرزندپروری به والدین و آگاه سازی آنها از چگونگی اعمال سبک مناسب در زندگی خانوادگی به صورت کارگاه های مستمر و دنباله دار انجام پذیرد و به شناسایی ملاک های تاثیربخشی سبک های فرزندپروری بر روی اعتیاد به فضای مجازی نوجوانان در پژوهش های آینده پرداخته شود.

بامریند در بررسی هایش دریافت که والدین مقتدری که پذیرنده و پاسخ دهنده هستند و کنترل متوسطی را اعمال می کنند، در تحول شایستگی اجتماعی و تنظیم هیجانی فرزندان خود در مقایسه با سبک های فرزندپروری سهل انگارانه و مستبدانه به میزان بیشتری تسهیل کننده هستند. در مقابل، نظارت و کنترل ضعیف، استفاده نامتناسب از کنترل و یک ارتباط هیجانی منفی بین والدین و کودک به طور وسیعی با بزهکاری کلی یا مشکلات رفتاری آنان در آینده مرتبط بوده است. در واقع نبود حمایت والدینی قوی یا حمایت همسالان می تواند منجر به احساس عدم شایستگی و ارزشمندی شود در چنین شرایط خانوادگی افراد به اینترنت و شبکه های مجازی مرتبط با آن به عنوان راه فراری از واقعیت استفاده می کنند. در خانواده های با سبک آسان گیر معمولاً فرزندان آزادی عمل خیلی زیادی دارند که فراتر از چارچوب تعریف شده برای نوجوانان است و آنها را معرض خطر قرار می دهد. در خانواده های مستبد بر خلاف خانواده های مقتدر که رابطه متعادل و حساب شده است بر قدرت والدین بیش از اندازه تاکید می شود. والدین مستبد می کوشند تا رفتارها و نگرش های فرزندان خود را در مطابقت با مجموعه استانداردهای تدوین شده از طرف قدرت های بالا شکل دهی، کنترل و ارزیابی کنند. آنها اطاعت را تنها راه برای جلوگیری از تعارض هنگام اختلاف عقاید و رفتارهای کودک با تفکرات والدین می دانند و معتقدند که کودک باید جایگاه والدین را درک نموده و به آنها احترام بگذارد. در چنی خانواده ای، تصمیم گیرنده و تعیین کننده وظایف دیگر اعضای خانواده فرد مستبد است و چندان به امیال و

های نوجوانان با خانواده پیش بینی کننده رفتار اجتماعی و تعامل های برخط نوجوانان با همسالان آنها است. پژوهش دیگری در این زمینه نشان داد بچه های بزرگ شده در خانواده های با سبک فرزندپروری اقتداری نمره بالاتری در رشد اجتماعی نسبت به خانواده های با سبک های فرزندپروری مستبد و سهل گیرانه کسب می کنند. هر چند بسیاری از رفتارهای دانش آموزان تحت تاثیر سبک های فرزندپروری والدین در دوران کودکی آنها است و آن چنان که عیسی زادگان و همکاران (۳۳) ذکر کرده اند ابعاد سبک های فرزندپروری بر بسیاری از رفتارهای فرزندان در سن نوجوانی و جوانی مانند فرار از خانه تاثیر دارد. اما همان طور که مازمن و یوسلول خاطر نشان کرده اند باید توجه داشت عوامل بسیار دیگری در این زمینه دخیلند؛ از جمله فشار اجتماعی (هنجارهای اجتماعی) به شرکت یا عدم شرکت در شبکه های مجازی که بر برداشت یادگیرندگان از شبکه و متعاقباً استفاده از آن نیز تاثیر دارد. در مطالعه چماگوس و همکاران سبک های مقتدرانه و مستبدانه به عنوان دو سبک غالب والدین در استفاده از شبکه های مجازی معرفی شده اند. والدین مقتدر در خصوص چگونگی استفاده فرزندان از شبکه های مجازی و ساعات دسترسی به اینترنت قوانین صریح و روشنی دارند و راهنمای خوبی برای فرزندان شان هستند. اما به کار گرفتن سبک فرزندپروری مستبدانه در استفاده از شبکه های مجازی باعث می شود که اعضای خانواده به سختی در خصوص مباحث مربوط به شبکه های مجازی گفتگو کنند، به راحتی نمی توانند راجع به دسترسی به اینترنت صحبت کنند و والدین در مورد استفاده از شبکه های مجازی، نظرشان را به فرزندان تحمیل می کنند. اگر چه والدین ممکن است در چگونگی کنترل و اجتماعی کردن فرزندان خود با یکدیگر تفاوت داشته باشند، ولی همه والدین در تعلیم و تربیت و نظارت بر فرزندان نقش اصلی را بر عهده دارند. نتایج متفاوت می تواند متأثر از زمینه مورد مطالعه و اثرات فرهنگ بر شیوه های فرزندپروری باشد.

در تبیین نتایج بدست آمده می توان چنین بیان نمود از آنجا که در این شیوه والدین تنبیه کننده، محدود کننده، ناراضی، انعطاف ناپذیر، کنترل گر، متوقع و صریح هستند، و به نیاز کودکان در حداقل میزان خود پاسخ می دهند، و در رفتار خود با فرزندان کنترل زیادی اعمال می نمایند و هیچ گونه استدلالی برای محدودیت هایشان ارائه نمی دهند در نتیجه فرزندان والدین مستبد ناخشنود و معمولاً ناراضی هستند و به دلیل فشار و کنترل شدیدی که از جانب والدین بر آنها اعمال می شود رابطه نزدیک و صمیمی با والدین خود ندارند که این روابط سرد میان والدین و فرزندان با افزایش اعتیاد به فضای مجازی مستقیم و معنادار دارد. در شیوه مقتدرانه، والدین، کودکان را به استقلال تشویق می کنند و بین میزان پاسخدهی و میزان کنترل و توقع آنها تعادل وجود دارد. فرزندان والدین مقتدر، شاد و سرحال هستند اما دانش آموزان دارای والدین مستبد ناخشنود و معمولاً ناراضی هستند. فرزندان دارای والدین مقتدر و سهل گیر، گرم و پذیرا هستند و جوی صمیمانه را در خانواده به وجود می آورند. ارتباط های نزدیکی میان فرزندان و والدین وجود دارد، آنها از فرزند خود انتظار دارند که قاطع، دارای حس مسئولیت پذیری



Pacific Education Researcher, 26(3), 137-146.

4. Khanjani, Mehdi (1396). The effectiveness of positive psychotherapy on life satisfaction, optimism and positive emotions in students. *Clinical Psychology Studies*, 7 (27), 159-137.

5. Varma, P., Cheaskul, U., & Poonpol, P. (2018). The influence of parenting styles on academic adjustment and psychological well-being among Thai university students mediated by Internet addiction and self-regulation: A path model. *Journal for Leadership and Instruction*, 17(2), 13-24.

6. Li, S., Lei, H., & Tian, L. (2018). A meta-analysis of the relationship between parenting style and Internet addiction among mainland Chinese teenagers. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 46(9), 1475-1487.

7. Martínez, I., Murgui, S., García, O. F., & García, F. (2019). Parenting in the digital era: Protective and risk parenting styles for traditional bullying and cyberbullying victimization. *Computers in Human Behavior*, 90, 84-92.

8. Smetana, J. G. (2017). Current research on parenting styles, dimensions, and beliefs. *Current opinion in Psychology*, 15, 19-25.

9. Kuppens, S., & Ceulemans, E. (2019). Parenting styles: A closer look at a well-known concept. *Journal of child and family studies*, 28(1), 168-181.

10. Gralewski, J., & Jankowska, D. M. (2020). Do parenting styles matter? Perceived dimensions of parenting styles, creative abilities and creative self-beliefs in adolescents. *Thinking Skills and Creativity*, 38, 100709.

11. Pinquart, M., & Gerke, D. C. (2019). Associations of parenting styles with self-esteem in children and adolescents: A meta-analysis. *Journal of Child and Family Studies*, 1-19.

خواسته های فرزندان توجه نمی شود و این امر باعث افزایش تنظیم هیجانی منفی می گردد؛ بنابراین در سایه چنین جوئی تعارضات زیادی می تواند بین اعضای خانواده شکل بگیرد. این بدان معناست که با افزایش تعارض، گسستگی و سبک خانوادگی مستبد در خانواده، میزان وابستگی به فضای مجازی را در نوجوانان افزایش می دهد.

از جمله محدودیت های این پژوهش است که در یک جامعه محدود انجام شده است نسبت به تعمیم نتایج به جوامع دیگر باید جانب احتیاط را رعایت نمود. محدودیت ابزار اندازه گیری متغیرها که فقط از پرسشنامه های خودگزارشی استفاده گردیده است. همچنین داده ها و تحلیل های پژوهش حاضر از نوع مطالعات مقطعی است و از این رو نتیجه گیری علی در مورد داده ها صحیح نیست. و باید پژوهش های طولی در این باره صورت بگیرد. بر این اساس، انجام پژوهش مشابه در مورد دانش آموزان در پایه های تحصیلی متفاوت پیشنهاد می شود. همچنین با استناد به نتایج این پژوهش، به مسئولان و برنامه ریزان آموزش و پرورش، مشاوران و روان شناسان پیشنهاد می شود تا با برنامه ریزی های مناسب و با توجه به نیاز نوجوانان و ایجاد فضایی برای ارضای آن، از وابستگی افراطی نوجوانان به اینترنت پیشگیری کنند و نیز برای بالا بردن تنظیم هیجانی در نوجوانان به طرح ریزی دقیق برنامه هایی بپردازند تا بتوانند نوجوانان را در جهتی هدایت کنند که قادر باشند توانایی های خود را در خودباوری به ظهور برسانند و در مقابله با موقعیت های بحرانی زندگی روش های واقع بینانه ای را به کار ببرند. همچنین پیشنهاد می شود با استفاده از آموزش، استفاده از شیوه های تربیتی مناسب و کارآمد و برنامه ریزی های کاربردی، فرهنگ استفاده از اینترنت ایجاد شود تا از مشکلات جسمانی و روان شناختی اعتیاد به شبکه های مجازی جلوگیری گردد.

## References

1. Li, S., Zhang, H., Cheng, L., Wang, X., & Sitahong, R. (2020). Negative life events and Internet addiction among Mainland Chinese teenagers and young adults: A meta-analysis. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 48(10), 1-10.
2. Chahal, K. S., Grover, M. S., Dey, K., & Shah, R. R. (2020). A hitchhiker's guide on distributed training of deep neural networks. *Journal of Parallel and Distributed Computing*, 137, 65-76.
3. Chou, C., & Lee, Y. H. (2017). The moderating effects of internet parenting styles on the relationship between Internet parenting behavior, Internet expectancy, and Internet addiction tendency. *The Asia-*

regulation scale and personality inventory for DSM-5. *Journal of Affective Disorders*, 245, 856-860.

21. Rogier, G., Beomonte Zobel, S., & Velotti, P. (2020). Pathological personality facets and emotion (dys) regulation in gambling disorder. *Scandinavian Journal of Psychology*, 61(2), 262-270.

22. Victim of Taqlidabad, Bahram; Tasbih Sazan Mashhadi, Seyed Reza. (1395). Evaluation of the relationship between cognitive emotion regulation mechanisms and lifestyle with depression in patients with irritable bowel syndrome. *Neishabour School of Medical Sciences*, 4 (4), 21-11.

23. Duarte, C., Ferreira, C., Pinto-Gouveia, J., Trindade, I. A., & Martinho, A. (2017). What makes dietary restraint problematic? Development and validation of the Inflexible Eating Questionnaire. *Appetite*, 114, 146-154.

24. Hood, M. M., Wilson, R., Gorenz, A., Jedel, S., Raesi, S., Hobfoll, S., & Keshavarzian, A. (2018). Sleep quality in ulcerative colitis: associations with inflammation, psychological distress, and quality of life. *International journal of behavioral medicine*, 25(5), 517-525.

25. Kramer, H. W. (2019). Efficacy of mindfulness-based cognitive training in surgery: additional analysis of the mindful surgeon pilot randomized clinical trial. *JAMA network open*, 2(5), e194108-e194108.

26. Sakiris, N., & Berle, D. (2019). A systematic review and meta-analysis of the Unified Protocol as a transdiagnostic emotion regulation based intervention. *Clinical psychology review*, 72, 101751.

27. Chapman, H. C. (2019). Emotion regulation across the psychosis continuum. *Development and psychopathology*, 32(1), 219-227.

12. Sokol, R. L., Qin, B., & Poti, J. M. (2017). Parenting styles and body mass index: a systematic review of prospective studies among children. *Obesity reviews*, 18(3), 281-292.

13. Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The journal of early adolescence*, 11(1), 56-95.

14. Chemagos, M. J., Odongo, B. C., & Aloka, P. J. (2016). Influence of parenting style on involvement in the education of public preschool learners in Nandi Central Sub County, Nandi County, Kenya.

15. Yavuz, H. M., & Selcuk, B. (2018). Predictors of obesity and overweight in preschoolers: The role of parenting styles and feeding practices. *Appetite*, 120, 491-499.

16. Wittig, S. M., & Rodriguez, C. M. (2019). Emerging behavior problems: Bidirectional relations between maternal and paternal parenting styles with infant temperament. *Developmental psychology*, 55(6), 1199.

17. Özgür, H. (2016). The relationship between Internet parenting styles and Internet usage of children and adolescents. *Computers in Human Behavior*, 91, 455-414.

18. Casale, S., Caplan, S. E., & Fioravanti, G. J. A. b. (2016). Positive metacognitions about Internet use: The mediating role in the relationship between emotional dysregulation and problematic use. *Addictive Behaviors*. 5)9(, 84-88

19. Spada MM, Marino C. Metacognitions and emotion regulation as predictors of problematic Internet use in adolescents. *Clinical Neuropsychiatry*. 2017; 14(1):59-63.

20. Fowler, J. C., Madan, A., Allen, J. G., Oldham, J. M., & Frueh, B. C. (2019). Differentiating bipolar disorder from borderline personality disorder: Diagnostic accuracy of the difficulty in emotion

28. Cludius, B., Mennin, D., & Ehring, T. (2020). Emotion regulation as a transdiagnostic process. *Emotion*, 20(1), 37.
29. Tice, D. M., Bratslavsky, E., & Baumeister, R. F. (2018). Emotional distress regulation takes precedence over impulse control: If you feel bad, do it!. In *Self-regulation and self-control* (pp. 267-298). Routledge.
30. Brand, M., Laier, C., & Young, K. S. (2014). Internet addiction: coping styles, expectancies, and treatment implications. *Frontiers in psychology*, 5, 1256.
31. Volkow, N. D., Wang, G. J., & Baler, R. D. (2011). Reward, dopamine and the control of food intake: implications for obesity. *Trends in cognitive sciences*, 15(1), 37-46.
32. God bless, good news; Sohrabi, Faramarz; Ahadi, Hassan and Taghi Lou, Sadegh. (1396). The mediating role of cognitive emotion regulation in the relationship between behavioral brain systems and eating behaviors in overweight and obese individuals. *Journal of Research in Mental Health*, 11 (4), 73-55.
33. Isa Zadegan, Ali; Amiri, Sohrab and Hafeznia, Mohammad. (1394). Comparison of parenting styles and psychological trauma in runaway and normal girls. *Journal of Applied Psychology*, 34 (11), 63-43.